



تبیین مولفه‌های تاثیرگذار در سیاست‌گذاری فرهنگی با رویکرد توسعه شهری (مورد مطالعه: زبان‌های خارجی)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۳۰ | تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

گلابول نیاززاده

دانشجوی مقطع دکتری مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
تهران gladiolus89@gmail.com

فاطمه براتلو

استادیار و عضو هیأت علمی گروه مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات
فرهنگی baratlou@ihcs.ac.ir

سیدرضا صالحی امیری

دانشیار گروه مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
تهران dr.salehiamiri@gmail.com

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: یکی از مباحث مهم پیرامون مسائل شهری، مفهوم توسعه پایدار شهری است که توسعه‌های مبتنی بر نیازهای واقعی و تصمیم‌گیری‌های عقلایی، با در نظر گرفتن ملاحظات مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی محسوب می‌شود. «توسعه پایدار» را مفهومی می‌دانند که در آن تأمین مستمر نیازها و رضایتمندی افراد همراه با افزایش کیفیت زندگی انسان را مدنظر قرار می‌دهد. پایداری شهری که با معیارهایی نظیر عدالت اجتماعی، مشارکت شهروندی و همبستگی اجتماعی، افزایش کارآمدی نهادهای اجتماعی، ارتقاء فرهنگ شهروندی و کارآمدی سیاست‌ها و برنامه‌های سیاست‌گذاری در حوزه کلان شهری و بهینه‌سازی مناسبات مدنی قوام می‌یابد، آرمانی برای کیفیت پویایی زندگی شهری و سبک جدید زیستن است. فراگیرشدن موضوع جهانی شدن به مثابه فراگیرشدن نوعی گفتمان غالب، دربرگیرنده جنبه‌هایی گوناگونی از همبستگی‌ها و همگنی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی است و ارتباط مستقیم آن با «زبان» به عنوان یکی از مهمترین عناصر هویت، امر «مواجهه با زبان خارجی» را در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی با هدف توسعه شهری تبدیل به یک مسئله می‌کند.

روش پژوهش: روش این پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی و ابزارگردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته، شامل ۲۵ سؤال بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش، شامل نخبگان فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و زبانی کشور می‌باشند. **یافته‌ها:** نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری فرهنگی در مواجهه با زبان‌های خارجی متاثر از مهمترین عناصر توسعه شهری یعنی مولفه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است.

نتیجه‌گیری: در این مقاله، به تبیین مولفه‌های تاثیرگذار در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در مواجهه با زبان‌های خارجی با هدف توسعه شهری پرداخته شده است که در عصر پروژه جهانی سازی به تعبیر مخالفین و پروسه جهانی شدن به تعبیر موافقین معادلات و مفروضات قبلی را دچار چالش ساخته است.

واژگان کلیدی: توسعه شهری، زبان‌های خارجی، سیاست، سیاست‌گذاری فرهنگی، فرهنگ

مقدمه

در کشورهای مختلف شاهد برنامه ریزی‌های متفاوتی برای مواجهه و یادگیری زبان خارجی هستیم که متأثر از چگونگی پنداشتن زبان مقصد است. برخی از آن به عنوان امپریالیسم فرهنگی یاد می‌کنند و برخی دیگر آن را عامل توسعه فرهنگی می‌دانند. اساساً زبان یکی از مؤلفه‌های اصلی تشکیل هویت، شخصیت و فرهنگ جوامع محسوب می‌شود؛ این نکته حائز اهمیتی در مواجهه با زبان‌های خارجی در توسعه شهری است چراکه عنصری تعیین کننده در توسعه پایدار یعنی همان محل تلاقی جامعه، اقتصاد و محیط زیست است.

از طرفی در کشوری می‌زییم که ضمن حفظ ارزش‌های مقدس و آرمان‌های ملی با توجه به دستاوردهای مهم فرهنگی، تاریخی و سیاسی همواره همراه با موج تغییرات جهانی بوده ایم. همانطور که ذکر شد جهانی شدن در مفهوم توسعه و گرایش به از بین رفتن مرزها و تکثرات مفهومی است مطلوب از دید جامعه مدنی و سیاسی اما از خاطر نمی‌بریم فرصت‌ها و تهدیداتی که این پروسه یا به قولی پروژه تحمیلی از دیدگاه مخالفین، ایجاد خواهد نمود و لازم است الگوهای سیاستگذاری احصاء شده تا بتوان با نظر خبرگان به الگوی بومی جهت نیل به توسعه شهری دست یافت.

در دو دهه گذشته، توسعه پایدار یک مفهوم بسیار بحث‌برانگیز در عرصه تحقیقات دانشگاهی و سیاست‌گذاری بوده است. همچنین این موضوع در حال تبدیل شدن به یکی از اهداف کلیدی سیاست پیش روی بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهایی است که مسائل زیست‌محیطی قابل توجهی دارند (فیلو و همکاران، ۲۰۲۰). یکی از مهم‌ترین اهداف بشریت در قرن بیست و یکم، ساختن جامعه‌ای پایدار است. و رسیدن و دست یابی به پایداری و جامعه‌ای پایدار مستلزم پایه‌ای ترین کلید آن، یعنی آموزش می‌باشد (بزلیجک و همکاران، ۲۰۲۰).

اهمیت آموزش اهداف توسعه پایدار در این امر نهفته است که معلمان و دانش آموزان باید درباره جهان بیاموزند، در آن مشارکت فعال داشته باشند و برای انجام اعمال خود از آن الهام گیرند. از آنجایی که توسعه پایدار با تجربیاتی سروکار دارد که تغییرات جهانی را به سمت توسعه اجتماعی بیشتر، یعنی جوامع پایدارتر تسهیل می‌کند، نیاز به آموزش برای مواجهه با چالش‌های رو به رشد کره زمین وجود دارد (بکتشی و زافری، ۲۰۲۰).

در جهان امروز، شهرها مکان اصلی کار و زندگی انسانها شده اند. (علی اکبری و اکبری، ۱۳۹۶: ۲) و امروزه ۵۴ درصد جمعیت جهان در همین مناطق شهری زندگی میکنند (اکبری و همکاران، ۱۳۹۷) شهرها به مثابه ارگانیکست است که چه از لحاظ کالبدی و زیستی و چه از لحاظ فرهنگی و اجتماعی در هر دوره‌های پیچیده تر و به نقطه آرمانی خود یعنی تقویت ساختارهای همبستگی اجتماعی و فرهنگی نزدیک می‌شوند. (واقفی و حقیقتیان، ۱۳۹۳)

موضوع جهانی شدن به مثابه فراگیر شدن نوعی گفتمان غالب که دربرگیرنده جنبه‌هایی گوناگونی است از همبستگی‌ها و همگنی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی و ارتباط مستقیم و البته متقابل آن با زبان به عنوان یکی از مهمترین عناصر هویت، «مواجهه با زبان خارجی» را در حوزه تخصصی مدیریت و برنامه ریزی امور فرهنگی تبدیل به یک مسئله و چالش می‌کند.

توسعه پایدار شهری مفهوم و واژه‌ای چند بعدی است که پس از رشد سریع شهری و افزایش شهرنشینی و آشکار شدن آثار زبان بار چنین توسعه‌ای بر ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، محیطی و حیات انسان و... در طی دهه‌های اخیر مطرح شده و بیش از پیش مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته است.

امروزه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اصلی بشر یافتن راهی برای حفاظت از محیط زیست، بهبود مسائل و تعاملات اجتماعی و مشکلات اقتصادی در سراسر جهان است. این مسائل سه بعد اصلی توسعه پایدار است که برای رسیدن به توازن میان مردم، کره زمین و منابع آن‌ها، ارائه شده است. در این میان زبان به عنوان کلید اصلی ارتباطات محلی و جهانی است و طبق نظریه نسبیت زبان‌شناختی، فرهنگ یک دست آورد زبانی است. در نتیجه افراد در سرتاسر جهان از دریچه‌ی زبان خود به دنیا تماشا می‌کنند و این زبان است که شکل‌دهنده‌ی فرهنگ آنان است. شناخت زبان و همین‌طور نظریه‌های زبانی باعث می‌شود تا نسبت به فرهنگ‌های خرد و کلان شناخت بهتری پیدا کنیم. از آنجا که برای ایجاد ارتباطات اجتماعی، زبان اصلی‌ترین راه است برای گسترش و پیاده‌سازی توسعه پایدار نیاز به شناخت زبان و در نتیجه ارائه و آموزش توسعه پایدار از طریق زبان داریم.

رهیافت نظری

امروزه شهرها به عنوان مصرف کننده و توزیع کننده اصلی کالاها و خدمات، کانون توجه بحث پایداری شده اند. بنابراین به منظور دستیابی به یک وضعیت پایدار واقعی در شهرها، تدوین سیاست‌هایی جهت حصول به شهرهای پایدار ضروری می‌نماید. به همین منظور مقوله‌ای مهم تحت عنوان توسعه شهری پایدار در طول دهه ۱۹۹۰ و تا به امروز مورد توجه قرار گرفته است. دراکاکیس اسمیت، در فرآیند شهرنشینی پایدار، اصول و رهیافت‌های توسعه پایدار را به عنوان اصلی در مطالعات توسعه شهرها پیشنهاد می‌کند که توجه به برابری و مساوات در رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی، دسترسی مناسب به خدمات و نیازهای اساسی و ارتقاء آگاهی نسبت به محیط زیست، حرکتی مناسب به سوی کارایی بیشتر در استفاده از منابع، محیط زیست و عدالت اجتماعی خواهد بود، که به نوبه خود شهرها را به سوی پایداری سوق خواهد داد. (نسترن و دیگران، ۱۳۸۹) مفهوم توسعه پایدار به تغییرات شهری و به فرم کالبدی شهری نیز توجه دارد و نکاتی مانند برنامه ریزی آموزشی، بهداشتی و رفاه اجتماعی را نیز در بر گرفته است.

میان توسعه پایدار و مقوله قدرت ارتباط تنگاتنگی وجود دارد تا جایی که برخی معتقدند عدالت اجتماعی و تعادل زیست محیطی لازم و ملزوم یکدیگرند و تحقق یکی بدون دیگری غیرممکن است. توسعه پایدار شهری را می‌توان بهره وری در استفاده بهینه از زمین و تشویق بر بهره گیری مجدد از ساختمان‌ها دانست که امکان عدالت گسترده اجتماعی، در بستر فضا و برابری اجتماعی را محقق گرداند و با فراهم نمودن امکانات رفاهی، اجتماعی، خدمات شهری و حقوق شهروندی، بهبود کیفیت زیست محیطی شهری و رضایت شهروندی را ممکن گرداند. بر این اساس شهرسازی باید به عنوان ابزاری مؤثر برای اجرا و تحقق سیاست‌های ملی و محلی فرصت‌هایی مطلوب را برای استفاده بهینه از منابع انرژی زمین و محیط زیست در ساختار شهری ارائه کند تا به ایجاد سکونت گاهی امکان دهد که نه تنها زندگی مطلوب و شایسته برای نسل حاضر بلکه نسل‌های آینده را نیز فراهم می‌کند بلکه پایداری کره زمین و روح انسانی را نیز تضمین می‌نماید.

نگرش توسعه پایدار بر این اندیشه است که فن‌آوری نمی‌تواند هر گونه کاهش منابع طبیعی را جبران سازد و سرمایه طبیعی مکمل سرمایه انسان ساخت است و در

این راستا سازمان ملل از مبانی و دیدگاه مفهومی توسعه پایدار حمایت می‌کند و راه دستیابی به توسعه پایدار را وجود بسترهای فرهنگی مناسب می‌داند که با آموزش و آگاهی دادن به مردم می‌توان به آن دست یافت. بر این اساس توسعه پایدار شهری در تکوین مفاهیم زیر جنبه کارآمدی به خود می‌گیرد:

- الف- بسترسازی عدالت اجتماعی و شهروندی
- ب- بستر سازی مشارکت شهروندی و همبستگی اجتماعی
- پ- بسترسازی تقویت بنیان نهادهای اجتماعی و بنیان خانوادگی
- ت- رویکرد استرژیک بر پدیداری توسعه پایدار شهری
- ث- گسترش آداب و فرهنگ شهرنشینی
- ج- مساعدت و سازماندهی ارگان‌های دولتی و خصوصی
- چ- کارآمد سازی سیاست‌ها و برنامه‌های سیاست‌گذاری در حوزه کلان شهری
- ح- گسترش حقوق شهروندی و بهینه سازی مناسبات مدنی

فرهنگ را می‌توان به عنوان اطلاعات یا رفتار در جامعه تعریف کرد که از طرق خاصی از یادگیری اجتماعی به دست می‌آید (وایت هد^۱، ۲۰۱۸: ۲۳۲). زبان شاکله اصلی تمدن بشری است و می‌توان گفت مهمترین وجه تمایز انسان با سایر جانوران است. (تقی زاده، ۱۳۹۵) زبان به عنوان برترین پدیده فرهنگی و تمدنی، یکی از مهارت‌هایی است که از اجتماع گویشوران کسب شده و به عنوان مهم ترین عامل انتقال فرهنگ و میراث از گذشته بوده و نقش تعیین کننده‌ای در تبیین و ساماندهی افکار و باورهای افراد -در اکنون و آینده جامعه- دارد. از اینروست که «واکنش حکومت‌های رسمی، نخبگان جامعه و مردم» به مظاهر زبانی غیر بومی در واقع بخش مهمی از رویارویی هویت ملی ایرانیان با فرهنگ‌های دیگر را شکل می‌دهد (شمس و شمسایی، ۱۳۹۲)

هنگام صحبت در مورد زبان، ضروری است که بدانیم این اصطلاح چگونه تعریف شده است. انسان به عنوان تنها حیوانی که می‌تواند به بسیاری از زبان‌ها صحبت کند و ارتباط برقرار کند تعریف می‌شود. از این رو زبان نماد هویت انسان است و مایه حیات و قدرت انسان تلقی می‌شود. زبان یک سیستم نمادین است که در آن کلمات به طور قراردادی با اشیا، ایده‌ها و اعمال مرتبط می‌شوند. (آنجلین، ۲۰۲۰)

زبان ویژگی منحصر به فرد نوع بشر است که به عنوان یک وسیله ارتباطی عمل می‌کند. اصطلاح زبان

این فرضیه از همان ابتدا مورد بحث و مجادله‌های بسیاری واقع شد. مسائل این فرضیه نه تنها مربوط به زمینه زبان‌شناسی بود، بلکه بر روان‌شناسی، قوم‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه، و همچنین علوم طبیعی بود. فرضیه نسبیّت زبان‌شناختی ساپیر را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

- زبانی که ما با آن صحبت و فکر می‌کنیم، فرم و شکلی از درک ما از جهان است.
- وجود سیستم‌های مختلف زبان به این معنی است که افرادی که درون زبان‌های مختلف فکر می‌کنند جهان را به طور متفاوتی درک می‌کنند (شیخ حسین، ۲۰۱۲).

ما طبیعت را بر اساس خطوط تعیین‌شده توسط زبان مادری خود تشریح می‌کنیم. ورف مدعی نیست که یک زبان جهان‌بینی گویشوران آن را به طور کامل تعیین می‌کند. وی بیان می‌کند که «این واقعیت (رابطه نزدیک زبان و جهان‌بینی گویشوران آن) برای علوم مدرن بسیار مهم است، زیرا به این معناست که هیچ فردی نمی‌تواند طبیعت را با بی‌طرفی مطلق توصیف کند، زیرا محدود به شیوه‌های تفسیری خاصی می‌باشد (شیخ حسین، ۲۰۱۲).

در نهایت، دست یابی به پایداری بیش‌تر بدان معناست که اساساً به نحوی که ما خود را در ارتباط با دیگران و جهان اطراف می‌بینیم درک کنیم. یعنی بررسی و فرمول‌بندی مجدد برخی از دقیق‌ترین فرضیات درباره جهان.

سازمان ملل متحد در روند جهانی‌شدن و حفظ

جهان برای آیندگان، بسط مفهوم توسعه پایدار و اهداف آن را در نظر دارد. باتوجه به اینکه ادبیات حاکم بر جهان زبان انگلیسی می‌باشد و این مساله از سوی اکثر کشورها پذیرفته شده است، این نکته بسیار حائز اهمیت می‌باشد که آموزش زبان انگلیسی و در کنار آن دیگر زبان‌های خارجی چه تاثیری بر توسعه اهداف و مفهوم توسعه پایدار دارد. همچنین بدیهی است که در صورت عدم پرداختن به موضوع ترجمه‌پذیری در بین ملت‌ها، محدودیت‌هایی در درک اهداف توسعه ایجاد می‌شود و همواره مانعی در مذاکره و ارتباط خواهد بود. بنابراین همکاری تنها زمانی می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد که طرف‌های همکار یکدیگر را درک کنند، باورها و دیدگاه‌ها را تحمل کنند و احترام بگذارند. (گرتروود و ایباگلی، ۲۰۲۰).

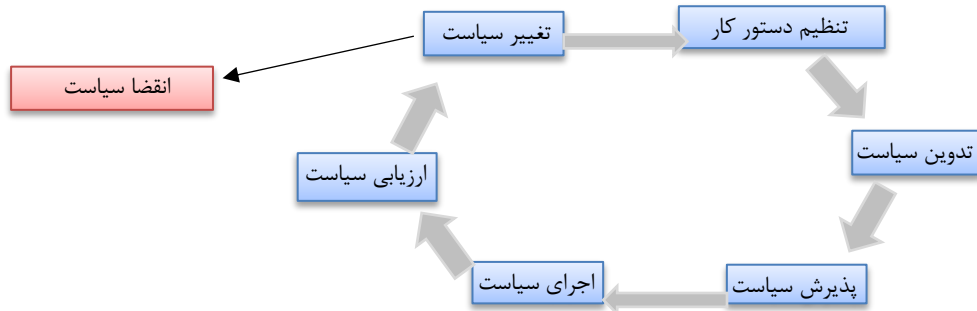
روشی کاملاً انسانی و غیر غریزی برای انتقال ایده‌ها، عواطف و خواسته‌ها از طریق نمادهایی است که داوطلبانه تولید می‌شوند. یک فرد برای تعامل درون و بیرون از محیط خود به زبان نیاز دارد. زبان می‌تواند به صورت کلامی یا غیرکلامی باشد (گرتروود و ایباگلی، ۲۰۲۰).

زبان ویژگی منحصر به فرد نوع بشر است که به عنوان یک وسیله ارتباطی عمل می‌کند. اصطلاح زبان روشی کاملاً انسانی و غیر غریزی برای انتقال ایده‌ها، عواطف و خواسته‌ها از طریق نمادهایی است که داوطلبانه تولید می‌شوند. یک فرد برای تعامل درون و بیرون از محیط خود به زبان نیاز دارد. زبان می‌تواند به صورت کلامی یا غیرکلامی باشد (گرتروود و ایباگلی، ۲۰۲۰).

نوادیک، زبان را کلید قلب مردم می‌داند. او می‌گوید، اگر کلید را گم کنیم، مردم را از دست می‌دهیم. اگر کلید را ارزشمند نگه داریم و آن را ایمن نگه داریم، درهای ثروت را باز می‌کند و در نتیجه توسعه ملی را به همراه خواهد داشت. بنابراین نتیجه می‌شود که زبان در روند توسعه هر ملتی، از تابلوی ترسیم تا اجرا و ارزیابی اهداف مشخص شده اجتماعی، محوری است و اهداف توسعه پایدار نیز از این دسته، مستثنی نیستند. زبان در ایجاد، بیان، تفسیر و درک این اهداف و همچنین در فرآیند اجرا و ارزیابی آن نقش به‌سزایی دارد (گرتروود و ایباگلی، ۲۰۲۰).

با نگاهی به اهداف توسعه پایدار از منشور نظریه ساپیروورف، به رابطه قوی بین زبان و فرهنگ و نیاز به آموزش بین‌فرهنگی به ویژه در حوزه تفسیر اهداف از طریق زبان پی می‌بریم. به گفته براون، زبان موجود زنده‌ای است که به طبیعت انسان نسبت داده می‌شود و یک ساختار کاملاً انتزاعی است که برای رفع نیاز به ارتباط ایجاد شده است. سپس نتیجه می‌شود که هر زبانی از یک محیط منحصر به فرد ناشی می‌شود که از نظریه ساپیروورف پشتیبانی می‌کند (گرتروود و ایباگلی، ۲۰۲۰).

این نظریه برای اولین بار توسط ادوارد ساپیر در سال ۱۹۲۹ ارائه شد و متعاقباً توسط بنجامین لی وورف در سال ۱۹۳۸ با ایده نسبیّت‌زبانی توسعه یافت. به این معنی که درک یک گوینده تحت سلطه زبان گفتاری اوست. این مسئله نشان می‌دهد که طرز تفکر و بیان یک فرد ارتباط زیادی با محیط فرهنگی اجتماعی او دارد (گرتروود و ایباگلی، ۲۰۲۰).



شکل ۱: چرخه سیاست‌گذاری

سیاست‌گذاری دارای اشکال گوناگونی است بطور مثال وجود سرمشق‌های آرمان شهرگرا، واقع‌گرا، راهبردی و توسعه‌گر می‌تواند منشا پیدایش انواع سیاست‌گذاری‌های فرهنگی باشد. براساس میزان فراگیری و پیوستگی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، به انواع دیگری از سیاست‌گذاری فرهنگی می‌توان دست یافت که به سیاست‌گذاری فرهنگی گسسته و پیوسته تقسیم می‌شود. سیاست‌گذاری گسسته نوع خاصی از سیاست‌گذاری فرهنگی است که در آن برنامه ریزان هر حوزه به طور مستقل و جداگانه به سیاست‌گذاری مبادرت می‌کنند، از این رو میان بخش‌های مختلف آن ارتباط و همبستگی ارگانیک به چشم نمی‌خورد. اما در سیاست‌گذاری فرهنگی پیوسته، برنامه ریزان با مدنظر قرار دادن الگوی کلی و نظمی اندام‌واری به سیاست‌گذاری مبادرت می‌کنند که نتیجه و محصول آن، شبکه و مجموعه هم‌بسته‌ای از تصمیم‌ها و اقدامات است (اکبری، ۱۳۸۱). سیاست‌گذاری فرهنگی با رویکردهای مختلفی قابل اجراست؛ رویکرد نخبه‌گرا که به صورت سنتی و با حفظ میراث فرهنگی و احیای دوران گذشته تاریخی بر هویت ملی تأکید دارد؛ رویکرد توسعه‌ای که حاصل پیوند میان فرهنگ و توسعه است و رویکرد کثرت‌گرا که بر خود فرهنگ متمرکز شده است (بهادری، ۱۳۷۶: ۱۴۱-۱۳۶). از سوی دیگر، سیاست‌های فرهنگی اغلب دو نوع اند؛ تشویقی و کنترلی. سیاست‌های تشویقی برای رسیدن به اهداف خود از ابزار تشویق و اقناع استفاده می‌کنند و غالباً به منظور توسعه فرهنگی اتخاذ می‌شوند. سیاست‌های کنترلی نیز از عوامل محدود کننده مانند عدم دسترسی و یا تهدید به مجازات بهره می‌گیرند (کاوند، ۱۳۸۷: ۳). الگوهای سیاست‌گذاری فرهنگی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱) یکسان‌سازی فرهنگی که به دنبال یکسان‌سازی فرهنگی در جامعه است. در این الگو، اصول و ارزشهای مقدسی وجود دارد که در یک طرح

با توجه به اینکه زبان انگلیسی زبان قرن بیست و یکم است، و ارتباطات زیادی بین زبان انگلیسی و آموزش و پرورش برای پایداری وجود دارد، انگلیسی می‌تواند برای به چالش کشیدن جهان بینی‌های این قرن مورد استفاده قرار گیرد. این زبان نقش مهمی در توسعه جامعه که مبتنی بر ادراکات مهارتی، تفکر انتقادی، خلاقیت و بیان متفاوت است، دارد.

بی تردید رویکردهای کلی جامع در سیاست با تأکید بر زبان نیاز به جایگزینی سنت‌های قدیمی در جهان جهانی دارند؛ این مهم نیازمند سیاست‌گذاری است. (سنوز و گورتر، ۲۰۱۶)

سیاست‌گذاری، مجموعه‌ای از اقدامات عقلانی است که طی فرایندی به انجام رسیده اند. به طور کلی، سیاست‌گذاری در یک فرایند سه مرحله‌ای: شکل‌گیری، اجرا و ارزیابی تحقق می‌یابد. برخی صاحب‌نظران با تفصیل بیشتر، این فرایند را در شش مرحله شناخت و درک مسئله، ارجاع و طرح آن در سازمان‌های عمومی، تهیه و تدوین خط‌مشی، مشروعیت‌بخشی، ابلاغ و اجرا و ارزیابی و کسب بازخورد از عملکرد آن تعریف کرده‌اند (الوانی و شریف زادگان، ۱۳۸۸). سیاست‌گذاری به مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و اقدامات و راهبردهایی که یک محور مرکزی داشته باشد اطلاق می‌شود. هر سیاست‌گذاری بر مبنای جهان بینی این انجام می‌شود. که برای شناخت هر سیاست باید نخست جهان بینی را شناخت. تصمیم‌گیری مولود سیاست است. در تعریف فرایند، علاوه بر جریان، به روند و روش هم اشاره شده است. فرهنگ و بستر، روند انجام کار، به ویژه انجام کارها که به طور معمول شامل مراحل است را فرایند می‌داند. پیش از بررسی هر مرحله از این چرخه، باید یک نکته مهم را به یاد داشته باشیم؛ این فرایند، آن طوری که تصویر نشان می‌دهد جزء جزء تقسیم شده نیست. در عوض، با پیچیدگی بسیار زیاد، شبیه یک بافتی است که همه مراحل این چرخه در آن به هم بافته و تنیده شده‌اند.

هندسی ارزش‌های فرهنگی یک نقطه کانونی و هنجاری را اختیار کرده و جامعه‌ای هم بسته و مبتنی بر ارزش‌های والا را شکل می‌دهد. البته، تحقق این الگو در عمل بسیار دشوار خواهد بود. مصداق این الگو را می‌توان در عمل به فرمایشات مقام معظم رهبری در حفظ ارزش فرهنگ و زبان اصیل ایرانی جست.

۲) تکثرگرایی فرهنگی: که به دنبال رشد و گسترش خرده فرهنگ‌ها به صورت هم عرض در کنار یکدیگر است. در این الگو، خرده فرهنگ‌های موجود در جامعه به رسمیت شناخته می‌شود و نوعی نسبی‌گرایی فرهنگی حاکم است. جامعه برای هیچ خرده فرهنگی با اصول عام اهمیت برتر با خاصی قائل نیست. اتخاذ این الگو در عمل بسیار دشوار و دارای تبعات فراوانی است. همانند لزوم وجود گویش‌های محلی و جلوگیری از زوال آن‌ها

۳) وحدت در کثرت: که ضمن تأکید بر اشتراکات فرهنگی، امکان تکثر خرده فرهنگ‌های مختلف را در چارچوب نمادی مشترک مجاز می‌داند. مراجعه به فصل مشترک سنن انسانی، مذهبی و ملی و در عین حال به رسمیت شناختن تنوعها و تکثرهای فرهنگی، ویژگی بارز این الگوست که مناسب جوامعی مانند ایران است (قلجی، ۱۳۸۸). وجود زبان‌های دیگر حتی به عنوان زبان دوم

برای دست یابی به مولفه‌های تاثیر گذار در سیاست‌گذاری فرهنگی با هدف توسعه شهری به یافته‌های سایر رشته‌ها مثل زبان شناسی و مطالعات فرهنگی و نیز مدیریت شهری نیاز هست و در این میان نظریاتی همچون مدل‌های نه گانه دای، مدل چرخه‌ای جونز و مدل تدریجی گرایی لیندبلوم در سیاست‌گذاری فرهنگی و نظریات زبان شناسی اجتماعی^۳ مورد مطالعه قرار گرفته و به تبع موضوعیت پژوهش از آن‌ها به عنوان چارچوب نظری بهره جستیم. در این میان از مدل‌های نه گانه دای مدل نخبگان، عقلایی و بازی بیشتر مورد منظور ما در این پژوهش است. سیاست‌گذاری برای آموزش یکی از نخستین فعالیت‌های سیاست‌گذاری در حیطة اداره امور عمومی توسط دولت هاست، زیرا مبدأ جامعه‌پذیری و تحرک افراد جامعه به سوی دیگر سیاست‌ها به شمار می‌رود؛ حتی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی که عامل محوری توسعه محسوب می‌شود، نقطه آغاز از سیاست‌گذاری‌های آموزشی است چون فرهنگ‌پذیری با آموزش شروع می‌شود.. (نیاز آذری و

دیگران، ۱۳۹۲). در حوزه تخصصی مطالعه خط مشی عمومی به طور کلی می‌توان دو رویکرد کلان فلسفی را در مطالعه خط مشی عمومی شناسایی کرد که به دو سنت فلسفی رایج در تولید علم یعنی اثبات‌گرایی و فرائیبات‌گرایی وابسته‌اند که اولی منجر به رویکرد تجزیه و تحلیل خط‌مشی با تأکید بر کمی‌سازی هزینه‌ها و منافع اقتصادی و سایر روش‌های تجربی و دومی با تأکید بر ساخت اجتماعی مسائل عمومی، بر گفتمان‌های خط‌مشی و زمینه سیاسی فراگرد خط‌مشی تأکید دارد (هولت و همکاران^۴، ۲۰۰۹: ۶) به طور مشخص رویکرد انتقادی در این گفتمان مورد توجه خواهد بود. در مطالعات سیاست‌گذاری، این نگاه هارولد لاسول عقیده داشت که افکار عمومی بخشی محورین از مطالعات سیاست‌گذاری محسوب می‌شود و پاسخگویی حکومت به ترجیحات عموم برای اکثر برداشت‌ها از دموکراسی مهم و اساسی است (بنینزبولت^۵، ۲۰۰۵: ۳۸۷)، به عنوان یک نمونه از رویکرد انتقادی در امر سیاسی مورد توجه است. راهبردهای اصلی در سیاست فرهنگی هم یکی از حوزه‌های بررسی این مقاله است. در یک نمونه بهادری در پژوهشی با عنوان "درآمدی بر سیاست‌گذاری و برنامه ریزی فرهنگی" به راهبردهای اصلی در سیاست فرهنگی پرداخته است، به باور ایشان کشورهای مختلف برای تدوین سیاست فرهنگی ملی خود راهبردهای متنوعی را متناسب با دیدگاه‌های سیاسی و وضعیت اجتماعی خود مدنظر قرار می‌دهند. که بطور اجمالی عبارت‌اند از:

۱) **راهبرد نخبه‌گرا (سنتی):** که بر نقش هویت ملی از طریق حفظ و حراست میراث فرهنگی و احیای گذشته تاریخی در راستای تقویت غرور ملی تأکید دارد فرهنگ در این راهبرد امری "زیبا شناختی" به شمار می‌آیند.

۲) **راهبرد توسعه‌ای:** دستاورد مکتب مطالعات فرهنگی با دغدغه پیوند بین فرهنگ و توسعه است که محورهایی چون همگانی کردن فرهنگ با پی ریزی مبانی فرهنگی برای سیاست‌های اقتصادی با توسعه متوازن بخش فرهنگی با سایر بخش‌ها و توجه به افزایش تولیدات فرهنگی را مدنظر داشته است.

۳) **راهبرد کثرت‌گرا:** برخود فرهنگ، مستقل از نقش آن در توسعه و محورهایی چون تکثر و تنوع فرهنگی، حقوق فرهنگی، تأکید بر فرد بجای جامعه، تأکید بر گروه‌های ویژه در معرض سلطه

گرایی» معروف است. در این مدل معتقد به تغییرات اندک و تدریجی و حفظ وضع موجود می‌باشد نه اهداف انتزاعی بلندپروازانه و تغییرات شدید. در نهایت اگر بتوان کل ادبیات موجود خط‌مشی‌گذاری را تحت دو شاخص غالب کارکردگرایی و ساختارگرایی جمع کرد. در اینجا ذیل شاخص کارکردگرایی، ادبیات چرخه خط‌مشی و با شاخص ساختارگرایی، شبکه‌های موضوعی خط‌مشی با سه جریان مسئله، خط‌مشی و سیاست‌قابل ره‌گیری خواهند بود (کینگ دان^۱، ۲۰۰۷: ۱۵۱). در نهایت ادبیات یا چارچوب نظری به اقتضای ماهیت موضوع و چگونگی بیان مساله، پرسش‌ها و اهداف مقاله از رویکرد ترکیبی بهره خواهد جست.

پیشینه پژوهش

بایوردی و کریمیان (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان جهانی شدن فرهنگ و تاثیر آن بر هویت ملی ایران بیان می‌کند این فرضیه که در اثر جهانی شدن، شاهد رشد و گسترش هویت‌های قومی و در نتیجه به چالش کشیده شدن هویت ملی در ایران خواهیم بود، به لحاظ نظری و عملی چندان قابل دفاع نیستم چرا که در راستای جریان جهانی شدن و به منظور شناسایی نوع رابطه فرهنگ ایرانی با فرهنگ جهانی، می‌توانیم فرض را نه بر جدایی و تمایز پذیری فرهنگی، بلکه بر پیوستگی، تعامل و اثرگذاری فرهنگ‌ها بر یکدیگر در نظر بگیریم و با این فرض است که مهمترین زمینه برای گسترش روحیه و تمایلات جهان‌گرایانه در هویت ایرانی را می‌توان در منشاء تاریخی آن ملاحظه کرد.

عالی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان چالش‌ها و فرصت‌های جهانی شدن برای نظام تعلیم و تربیت ایران جهانی شدن به عنوان یک فرایند گریز ناپذیر در قرن بیست و یکم در ابعاد سه گانه خود (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) آموزش و پرورش را دستخوش تغییر و تحول میکند، از این رو شناسایی ویژگی‌ها و آثار این فرایند بر آموزش و پرورش (و به عبارتی جهانی شدن تعلیم و تربیت) یکی از وظایف اصلی هر نظام تعلیم و تربیت و از جمله نظام آموزش و پرورش ایران است. در این میان می‌توان به پیامدهای اقتصادی جهانی شدن برای نظام آموزش و پرورش از جمله توجه بیشتر بر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و استفاده بیشتر از تکنولوژی اطلاعات و پیامدهای بعد سیاسی جهانی شدن از جمله کم‌رنگ شدن نظارت و تسلط دولت و حکومت بر نظام تعلیم و تربیت و پیامدهای فرهنگی جهانی شدن از جمله ترویج

فرهنگی نظیر زنان و اقلیت‌های قومی و دینی و جهان‌گرایی متمرکز شده است. (بهادری، ۱۳۷۶)

رودز عنوان می‌کند که از بین رفتن مرز میان دولت و مردم-مدل اداره بدون دولت (اجزای قطعه قطعه شده) چانه زنی میان سازما نها در شبکه‌های در برگیرنده آنهاست و در این فضای سازمانی جدید، دولت با شبکه‌های سازمانی خودهدایتگر روبروست که از سازمانهای دارای منابع مستقل تشکیل شده و در بخشهای سیاستی خاص به دنبال برقراری ارتباط با یکدیگر برای تأمین منافع خود هستند.. (رودز^۲، ۱۹۹۷).

از میان مدل‌ها و الگوهای معرفی شده، مدل مرحله‌ای یا چرخه‌ای سیاست‌گذاری جونزبراین باور بود که در صورت شناخت "چگونه بودن" عملکرد دولت است که می‌توان درباره " چگونه باید بودن" آن به ارائه نظر پرداخت (جونز^۳، ۱۹۷۰). مدل جونز فرایند سیاست‌گذاری را شامل مراحل ذیل می‌داند: ایجاد دستور کار و تعریف مشکل، پیشنهاد راه حل‌ها و سیاست‌ها، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی. بر این مبنا مدل جونز به تحلیل تنظیم دستور کار سیاست‌گذاری، تحلیل تصمیم، تحلیل اجرا و تحلیل ارزیابی یک سیاست متمرکز می‌باشد. و نیز مدل‌های سیاست‌گذاری تامس دای مشتمل بر ۹ عنوان است:

- ۱- **نهادگرایی:** سیاست به مثابه برون‌داد نهادی
 - ۲- **فرایندی:** سیاست به مثابه فعالیت سیاسی
 - ۳- **گروهی:** سیاست به مثابه تعادل گروهی (منافع مشترک)
 - ۴- **نخبگان:** سیاست‌گذاری به مثابه ترجیح نخبگان
 - ۵- **عقلانیت گرایی:** سیاست‌گذاری به مثابه کسب حداکثر سود اجتماعی
 - ۶- **فزاینده گرایی:** سیاست‌گذاری به مثابه ایجاد تغییرات در گذشته
 - ۷- **بازی:** سیاست به مثابه انتخاب عقلانی در موقعیت رقابتی
 - ۸- **انتخاب عمومی:** سیاست به مثابه تصمیم‌سازی جمعی توسط افراد ذی نفع
 - ۹- **نظام (مدل سیستمی):** سیاست به مثابه خروجی نظام (فشارهای محیط=ورودی) (دای^۴، ۱۹۹۵)
- مورد توجه خواهد بود. به طور مشخص این نظریه دانشمند علوم سیاسی چارلز لیندبلوم^۵ مدل عقلانیت مطلق در سیاست‌گذاری را تغییرات سریع، انقلابی و شتابدار مورد انتقاد شدید قرار داد، هم مبنای بحث می‌باشد. لیندبلوم تئوری دیگری درباره تصمیم‌گیری ارائه می‌کند که تحت عنوان اینکرمانتالیسم یا «تدریجی

ایدیومها، بلکه ترکیب کلمات یا گروه واژه‌های ثابت نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

آذرشب و همایونی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان واکاوی فرهنگ و نقش آن در سیاست‌گذاری‌های برنامه‌ریزی‌های آموزش زبان (مطالعه موردی: آموزش زبان عربی در ایران) سعی بر آن دارد که پس از تحلیل روابط زبانی- فرهنگی خوب و دوستانه ایران و جهان عرب در گذشته‌های تاریخ، علل و اسباب افول فراگیری زبان عربی را از دو منظر فرهنگی و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های زبانی بازنگری کنیم و از این رهگذر، برنامه‌ها و راهکارهای بنیادین را برای بسط آموزش زبان عربی به معنای کاربردی آن در دو سطح عمومی و تخصصی ارائه نماید.

بیرک بیچلر (۱۹۹۴) در پژوهشی تحت عنوان سیاست زبان خارجی و آموزش معلمان سیاست‌گذاری در آموزش زبان خارجی آمریکا تحت تاثیر عوامل مختلفی از جمله افزایش نفوذ نیروهای خارجی مانند سیاستمداران و رهبران تجاری، ارتباط ضعیف میان سیاست‌گذاران و متخصصان سطح بالا، پارادوکس برنامه‌های آموزشی ملی و تلاش‌های استاندارد سازی و محلی و جنبش‌های بازسازی دولتی و تنوع سیاست‌های آموزش و پرورش معلمان دانسته و بیان می‌کند که این مهم نیازمند تلاش‌های اصلاحی خاص همین دوره و نه آینده است که می‌بایست با برنامه ریزی و سیاست‌گذاری‌های کلان شکل بگیرد.

هالت (۲۰۱۷) در مقاله‌ای تحت عنوان چشم انداز سیاست‌گذاری آموزش زبان می‌نویسد:

با ذکر این نکته که امروزه مبحث سیاست‌گذاری و برنامه ریزی در حوزه زبان به یکی از محوری ترین موضوعات مورد بحث تبدیل شده است، این پژوهش در صدد مطالعه و جستجو سیاست‌های آموزش زبان در بانک‌های اطلاعاتی درباره مشکلات موانع و مشکلات آموزش زبان، طراحی‌های نوین آموزشی، سیاست‌های آموزشی و ارائه راهکار توسط مدل سیاست‌گذاری سه جزئی شیوه‌ها، باورها و مدیریت است.

(سنوز و گورتر، ۲۰۱۶) در مقاله‌ای تحت عنوان سیاست آموزش زبان و ارزیابی چند زبانی می‌گوید رویکردهای کلی جامع در سیاست و ارزیابی زبان نیاز به جایگزینی سنت‌های قدیمی در جهان جهانی دارند. او اضافه می‌کند در مدارس و آکادمی‌های امروز که افراد زبان‌های مختلفی دارند این مهم نیازمند سیاست‌گذاری است.

فرهنگ غرب و کم‌رنگ شدن ویژگی‌های بومی و به مخاطره افتادن هویت ملی و ارزش‌های دینی در برنامه‌های درسی مدارس اشاره کرد. از طرفی می‌توان به برقراری ارتباطات فرهنگی بیشتر و شناخت سایر فرهنگ‌ها به عنوان فرصت‌های پیش روی تعلیم و تربیت اشاره کرد. بنا براین دیدگاه جهانی شدن فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای نظام تعلیم و تربیت به طور عام و برای ایران بطور خاص پدید می‌آورد. که با بهره‌گیری از این فرصت‌ها و با شناخت بهتر چالش‌ها می‌توان به حفظ میراث‌های فرهنگی و اعتلای نظام تعلیم و تربیت در راستای جهانی شدن پرداخت. تبیین و تحلیل این فرصت‌ها و تهدیدها از جمله اهداف این مقاله است.

سبکتکین ریزی و دیگران (۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی مهمترین فرصت‌ها و چالش‌های فرهنگی در عصر جهانی شدن فرهنگی تأثیر جهانی شدن فرهنگی در شش مسئله فرهنگی که می‌تواند به عنوان چالش و هم به عنوان فرصت (شکل‌گیری تعامل سازنده با دنیا) مطرح شود، بررسی شده است. تغییرات بوجود آمده در نظام آموزشی- بررسی مختصات هویت یابی دینی، قومی و ملی- تغییرات ساختاری و هویتی شکل گرفته در خانواده و سرمایه اجتماعی در بین شهروندان- چگونگی برآیند کثرت گرایی در عصر جهانی شدن فرهنگی در این مقاله مطرح شده است.

اصغرزاده و خراسانی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان تاثیر استفاده از زبان انگلیسی به عنوان زبان واسط آموزش علم در بین المللی شدن دانشگاه‌ها با مطالعه تطبیقی در اروپا به بیان اهمیت زبان انگلیسی با توجه به رشد سریع استفاده از آن در دهه اخیر پرداخته و از آن به عنوان یکی از ابزارهای بین المللی شدن یاد کرده است که از سوی سیاست‌گذاران مورد توجه واقع شده است.

بابازاده (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان زبان، فرهنگ، اصطلاحات و ارتباط آنها با آموزش زبان‌های خارجی برقراری ارتباطات انسانی در رابطه با آموزش زبان‌های خارجی بررسی می‌شود. حل مسائل مربوط به زبان و فرهنگ، به بهینه‌سازی فرایند آموزش زبان‌های خارجی و تحقق بخشیدن هدف عملی آموزش یعنی تسلط بر زبان خارجی توسط زبان‌آموزان به عنوان وسیله برقراری ارتباط کمک می‌کند. در این راستا مؤلف مقاله از میان واحدهای زبانی، اصطلاحات را که حاوی غنی‌ترین اطلاعات فرهنگی‌اند مورد بررسی و نتیجه‌گیری قرار داده است. به نظر مؤلف مقاله در تدوین مطالب درسی مربوط به اصطلاحات و تعبیرات نه تنها

روش پژوهش

این پژوهش بدنبال ارائه مولفه هاست، بنابراین ماهیت کاربردی دارد. مبتنی بر اهداف و سوالات پژوهش، روش مناسب گردآوری و تحلیل اطلاعات، روش آمیخته اکتشافی است. در این روش در مرحله اول از داده‌های کیفی برای توصیف جنبه‌های متعدد یک استفاده می‌شود. طرح پژوهش آمیخته برای ایضاح جنبه‌های مبهم یا تمهید سرنخ‌هایی که در طرح پژوهشی بدنبال می‌شوند، به کار می‌روند. در الگو از داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها و تحلیل مضمون منابع کتابخانه ای/اسناد مکتوب بهره خواهیم گرفت. در فاز سنجش از داده‌های روش کیفی به درک لایه‌های عمیق موضوع پرداخته و جنبه‌های اصلی پدیده مورد نظر را مشخص می‌کند. درواقع براساس مروری بر ادبیات موضوع و با استفاده از مطالعات صورت گرفته، فهرست کاملی از عوامل اثرگذار - به‌منظور وزن‌دهی - در قالب پرسشنامه در اختیار اعضای پانل صاحب‌نظران قرار گرفت و به کمک تحلیل عاملی اکتشافی مؤلفه‌های جدید اثرگذار بر الگوی مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی با رویکرد توسعه شهری در مواجهه با زبان‌های خارجی در ایران طراحی شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در ابتدا به بررسی و تحلیل داده‌های جمعیت شناختی پژوهش می‌پردازیم. اولین شاخص مورد بررسی در این عنوان متغیر (جنسیت) افراد می‌باشد که نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل متغیر فوق در جدول ذیل شماره ۱ م ارائه شده است. با توجه به جدول ۱ می‌توان عنوان نمود که (۷ نفر) یعنی ۵۸ درصد از مصاحبه شوندگان «مرد» و (۵ نفر) یعنی ۴۲ درصد «زن» می‌باشند.

جدول ۱: توزیع فراوانی مرتبط با بررسی وضعیت متغیر «جنسیت»

سطوح	فراوانی	درصد
مرد	۷	۵۸,۳۳
زن	۵	۴۱,۶۷
کل	۱۲	۱۰۰

(نگارندگان، ۱۴۰۱)

دومین شاخص مورد بررسی در این عنوان متغیر (سن) افراد می‌باشد که نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل متغیر فوق در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: درصد فراوانی مرتبط با بررسی وضعیت متغیر

«سن»

ردیف	گروه‌های سنی فراوانی	درصد فراوانی
۱	۲۹-۲۰	-
۲	۳۹-۳۰	-
۳	۴۹-۴۰	۴۱,۶۶۶۷
۴	۵۰-بالا	۵۸,۳۳۳۳
۵	کل	۱۰۰

(نگارندگان، ۱۴۰۱)

سومین شاخص مورد بررسی در این عنوان متغیر (تحصیلات افراد) نمونه می‌باشد که به چهار عنوان (دیپلم و فوق‌دیپلم)، (لیسانس)، (فوق لیسانس) و (دکتری) تقسیم بندی گردیده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل متغیر فوق در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: توزیع فراوانی مرتبط با بررسی وضعیت متغیر

«تحصیلات»

سطوح	فراوانی	درصد
کارشناسی	-	-
کارشناسی ارشد	۳	۲۵
دکتری	۹	۷۵
کل	۲۵	۱۰۰

(نگارندگان، ۱۴۰۱)

تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل، از سه نوع کدگذاری استفاده شده است. که عبارتند از: الف) کدگذاری باز؛ ب) کدگذاری محوری؛ ج) کدگذاری گزینشی. این‌ها روش‌هایی مختلف برای کار با داده‌های متنی هستند که محقق در صورت نیاز آنها را جابه‌جا یا با یکدیگر تلفیق می‌کند. با این حال فرآیند تفسیر با کدگذاری باز آغاز و با نزدیک شدن به مراحل پایانی فرآیند تحلیل کدگذاری گزینشی پیش‌تر مطرح می‌شود. کد گذاری باز به بدنبال آن است که تا داده‌ها و پدیده‌ها را در قالب مفاهیم درآورند.

در کدگذاری محوری آغاز کردن فرآیند از نوع کنار هم گذاشتن داده‌هایی است که در جریان کدگذاری باز، آنها را خرد کرده‌ایم، در کد گذاری محوری مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی متصل گشتند تا توضیح دقیق‌تر و کاملتر از پدیده‌ها شکل یابند در کد گذاری محوری

می‌گردد و در نهایت پیامد این استراتژی‌ها. کدگذاری گزینشی آخرین مرحله از کد گذاری است و به نوعی در سطح انتزاعی تری از کدگذاری محوری انجام می‌شود. در این مرحله نظریه نسبتاً به استحکام رسیده است و پژوهشگر در این مرحله با مقولات کمتری سر و کار دارد (محمد پور، ۱۳۸۹: ۳۴۰).

تلاش گردید تا مقولات براساس الگوی پارادایمی ایجاد و کشف گردند. تلاش بر یافتن و مشخص کردن یک پدیده و مقوله اصلی بوده است با در نظر گرفتن شرایط یا علتی است که پدیده را را به وجود می‌آورند و محتوا یا زمینه، ویژگی‌های پدیده به یک معنا شرایطی است که استراتژی رفتارها و رفتارهای متقابل در آن رخ می‌دهد؛ شرایط میانجی یا مداخله‌گر شرایط یا عواملی که استراتژی‌ها را تشدید یا کند کرده‌اند، استراتژی‌های کنش/کنش متقابل که از طریق آن مقوله کنترل و اداره

جدول ۴: دسته بندی سئوالات پژوهش

ردیف	سوال
۱	مولفه‌های اقتصادی تاثیرگذار بر سیاست‌گذاری فرهنگی در مواجهه با زبان‌های خارجی کدامند؟
۲	مولفه‌های اجتماعی تاثیرگذار بر سیاست‌گذاری فرهنگی در مواجهه با زبان‌های خارجی کدامند؟
۳	مولفه‌های سیاسی تاثیرگذار بر سیاست‌گذاری فرهنگی در مواجهه با زبان‌های خارجی کدامند؟
۴	مولفه‌های فرهنگی تاثیرگذار بر سیاست‌گذاری فرهنگی در مواجهه با زبان‌های خارجی کدامند؟
۵	نقاط قوت و ضعف محیط داخلی زبان‌های خارجی کدامند؟
۶	تهدیدات و فرصت‌های محیط خارجی زبان‌های خارجی کدامند؟
۷	مولفه‌های یک سیاست‌گذاری فرهنگی با رویکرد توسعه شهری در مواجهه با زبان‌های خارجی کدام است؟

حال با توجه به نتایج حاصل از سئوالات مصاحبه خواهیم داشت:

جدول ۵: دسته بندی مولفه‌های پژوهش براساس نتایج پژوهش

سوال	ردیف
آشنایی با فناوری‌های نوین جهت توسعه مشاغل، توسعه برابری افراد در فرصت‌های شغلی، توسعه سواد اطلاعاتی و فناوری	مولفه‌های اقتصادی
درک فرا فرهنگی، توسعه تفکر انتقادی، توسعه شایستگی‌های اجتماعی، توسعه آگاهی اجتماعی، توسعه اعتماد اجتماعی	مولفه‌های اجتماعی
گسترش مطالعات سیاسی، توسعه گفت و گوی سیاسی و فرهنگی، مشارکت فعال در توسعه محلی و ملی	مولفه‌های سیاسی
توسعه شایستگی‌های فرهنگی، توسعه هویت شخصی، نگرانی نسبت به علم و دانش، استقلال فکری، تعامل فرهنگی گسترده تر، توسعه خلاقیت فرهنگی	مولفه‌های فرهنگی
طرح ایده‌های نو در تدریس و یادگیری، توسعه جایگاه علم و دانش، هم افزایی فرهنگی، تامین و پشتیبانی فناوری اطلاعاتی، بهبود خود سازماندهی، کسب دانش جهانی، رقابتی شدن، آشنایی با الگوهای نوین پژوهشی، شایسته سالاری، توسعه هوش فرهنگی، توسعه خلاقیت در حل مشکلات فرهنگی	نقاط قوت محیط داخلی
احتمال توسعه ناموزون اجتماعی، دخالت بیگانگان، کنترل فرهنگ اقوام، آسیب ارتباطی میان توده نخبه	تهدیدات محیط خارجی
تقویت زبان فارسی به عنوان تنها زبان رسمی، توسعه فارغ التحصیلان دوزبانه، توسعه زبان‌های محلی، استفاده از ظرفیت‌های مراکز فرهنگی و سفارتخانه‌ها، پرورش نیروی انسانی، تقویت ارتباطات دوسویه، توسعه تکثر اندیشه، تاکید بر هویت ملی، توسعه زبان به عنوان زیرساخت تعامل، توسعه حق شهروندی، زمینه ساز تغییر سبک زندگی، افزایش برنامه‌های حمایتی آموزش زبان، تسهیل گری دولت در توسعه آموزش، توسعه چشم انداز مشترک فرهنگی، توسعه نگرش مثبت افراد به فرهنگ‌های دیگر، توسعه اهداف فرهنگی اثربخش، حضور در مجامع بین الملل، تعامل فعال با محیط جهانی، همگرایی قومی و مذهبی، تاکید بر اشتراکات اجتماعی، توسعه استفاده از نخبگان قومی، ترکیب خلاقانه فرهنگ بومی با سایر فرهنگ ها	سیاست مطلوب با رویکرد توسعه شهری (به حداکثر رساندن نقاط قوت داخلی و حداقل ساختن تهدیدات خارجی)

(نگارندگان، ۱۴۰۱)

پژوهش بر آن بودیم تا ادبیات و نگاه گفتمان‌های موجود حول مقوله مواجهه با زبان‌های خارجی را بر شمرده و در صدد بهینه سازی سیاست‌گذاری فرهنگی با هدف توسعه شهری که شاه کلید توفیق در عصر کثرت‌های وحدت گرا و فرو ریزش عاملیت انسانی است، برآییم تا در ادبیات گفتمانی و شبکه کنشگران، ایران آینده علی رغم

بررسی نتایج

فرهنگ را می‌توان به عنوان اطلاعات یا رفتار در جامعه تعریف کرد که از طرق خاصی از یادگیری اجتماعی به دست می‌آید (وایت هد^{۱۱}، ۲۰۱۸: ۲۳۲). حال از آنجاییکه زبان به عنوان یکی از مهمترین المان‌های هویتی یک فرهنگ مورد توجه است، در این

برخوردار بودن از جایگاه استراتژیک ژئوپلیتیک، چهره‌ای مطلوب تر و تاثیرگذارتر داشته باشد. نتیجه این مهم به نقش تاثیرگذارتر ایران اسلامی به عنوان بازیگر در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی که عمده مبحث مورد نیاز عصر جهانی شدن خواهد بود، می‌انجامد.

این پژوهش مبتنی بر اهداف و سوالات پژوهش و با روش آمیخته اکتشافی است. در این پژوهش در از داده‌های کیفی برای توصیف جنبه‌های متعدد یک پدیده استفاده گردید براساس مروری بر ادبیات موضوع و با استفاده از مطالعات صورت گرفته، عوامل اثرگذار در قالب پرسشنامه در اختیار اعضای پانل صاحب‌نظران قرار گرفت و هر یک از عوامل، به کمک تحلیل عاملی اکتشافی مؤلفه‌های جدید اثرگذار بر الگوی مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی با هدف توسعه شهری در مواجهه با زبان‌های خارجی طراحی شد. نتایج این پژوهش به صورت زیر می‌باشد:

شهر پدیده‌ای چندبعدی، پیچیده و پویاست و برنامه ریزی دقیق و کامل برای تمام عناصر آن امری دشوار است و بر همین اساس، به عنوان مصرف کننده و توزیع کننده اصلی کالاها و خدمات، کانون توجه بحث پایداری شده اند. با توجه به این که توسعه پایدار بیش از هر معیاری بر معیارهای کیفی و انسانی تأکید می‌کند، بنابراین به منظور دستیابی به یک وضعیت پایدار واقعی در شهرها، تدوین سیاست‌هایی جهت حصول به شهرهای پایدار ضروری است و زبان‌های خارجی نیز در این سیاست‌گذاری‌ها نقش به سزایی دارد. علی‌رغم اهمیت جنبه‌های اقتصادی توسعه، به نظر می‌رسد که توسعه در این حوزه چیزی بیش از رشد اقتصادی است و گذشته از بهبود سطح مادی زندگی، عدالت اجتماعی و ارزش‌ها و سنت‌های بومی را نیز در بر می‌گیرد. لذا توسعه را می‌توان به معنای ارتقاء مستمر جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر دانست و به عبارت دیگر توسعه فرایندی است که شرایط زندگی نامطلوب را به مطلوب تبدیل می‌کنند. بر این اساس هدف اساسی توسعه را بهره‌رساندن به انسان می‌دانند که بهبود کیفیت زندگی را در بر می‌گیرد و در قالب افزایش درآمد و گسترش اشتغال و رفاه عمومی امکان بروز می‌یابد. در واقع توسعه بیانگر این است که مجموعه ارکان یک نظام، هماهنگ با نیازهای اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی موقعیتی که از نظر مادی و معنوی بهتر

است، حرکت می‌کند. توسعه شهری پایدار به عنوان بخش مهمی از توسعه پایدار بر پایه استفاده بهینه و مناسب از منابع طبیعی استوار است و توسعه شهری به عنوان جزئی از سیاست‌های توسعه ملی در راستای تحقق رشد اقتصادی و تأمین عدالت اجتماعی حرکت می‌کند. توسعه پایدار شهری، شهری را متبلور می‌سازد که دارای چارچوب ارزشی و اخلاقی است و با استفاده از منابع مالی، طبیعی و سرمایه اجتماعی، رفاه اجتماعی و آسایش اجتماعی در روند توسعه پایدار شهری را فراهم می‌کند.

همان طور که در دنیای امروز مشاهده می‌شود مفهوم پایداری و توسعه پایدار از مباحث مهم و کاربردی می‌باشد. در مجامع جهانی و کنفرانس‌های متعدد در این خصوص بحث و تبادل نظر می‌شود و همواره به عنوان یک راه‌حل اساسی برای برون‌از مشکلات فعلی جهان ما بدان پرداخته می‌شود. یکی از راه‌های اشاعه این مباحث قطعاً پرداختن به **مسائل آموزشی** می‌باشد. آموزش در یادگیری موضوعات مرتبط با اهداف توسعه پایدار موثر است و می‌تواند موجب یادگیری دیگر افراد در این خصوص گردد. یادگیری اهداف توسعه پایدار و به کار بستن آن‌ها معمولاً در فرهنگ‌های بومی با موانعی روبه‌رو می‌شود زیرا همه فرهنگ‌ها به دنبال اشاعه مضامین مرتبط با فرهنگ خود می‌باشند اما در راستای **جهانی شدن**، توجه به اهداف توسعه پایدار یکی از مسائل حیاتی است. در واقع همان‌گونه که سایپر و وورف در **نظریه نسبیت زبانی** اشاره می‌کنند، زبان ترسیم‌گری فرهنگ را به عهده دارد. در نتیجه یادگیری زبان دوم، یادگیری فرهنگ دیگری را نیز به همراه دارد.

از آنجایی که یکی از اهداف توسعه پایدار، **آموزش با کیفیت**، وسیله‌ای برای دست‌یابی به تمام اهداف شناخته می‌شود، در حالی که پایداری به عنوان هدف اصلی، برای تمامی اهداف وجود دارد. به این ترتیب، ترویج آموزش زبان باید مورد حمایت منطقی قرار گیرد، زیرا تأثیر زبان انگلیسی بر پایداری را افزایش می‌دهد. در این مقوله مواجهه با عنصر تاثیرگذار زبان‌های خارجی در فرایند توسعه شهری با به حداقل رساندن تهدیدات محیط خارجی و نقاط ضعف محیط داخلی و به حداکثر رساندن فرصت‌های محیط خارجی و نقاط قوت محیط داخلی امکانپذیر خواهد بود.

نتایج پژوهش

سیاست گذاری مطلوب فرهنگی با هدف توسعه شهری



تقویت زبان فارسی به عنوان تنها زبان رسمی، توسعه فارغ التحصیلان دوزبانه، توسعه زبان های محلی، استفاده از ظرفیت های مراکز فرهنگی و سفارتخانه ها، پرورش نیروی انسانی، تقویت ارتباطات دوسویه، توسعه تکثر اندیشه، تاکید بر هویت ملی، توسعه زبان به عنوان زیرساخت تعامل، توسعه حق شهروندی، زمینه سازی تغییر سبک زندگی، افزایش برنامه های حمایتی آموزشی زبان، تسهیل گری دولت در توسعه آموزش، توسعه چشم انداز مشترک فرهنگی، توسعه نگرش مثبت افراد به فرهنگ های دیگر، توسعه اهداف فرهنگی اثربخش، حضور در مجامع بین الملل، تعامل فعال با محیط جهانی، همگرایی قومی و مذهبی، تاکید بر اشتراکات

منابع و ماخذ

احمدی، حمید (۱۳۸۶)، «مدخلی بر واکاوی پدیده قوم گرایی در سیر جهانی شدن»، مجله سیاست داخلی، سال اول، شماره ۳.

اصغرزاده نسرين، خراسانی ابصلت. تأثیر استفاده از زبان انگلیسی به عنوان زبان واسط آموزش علم در بین المللی شدن دانشگاهها: مطالعه تطبیقی در اروپا. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. ۱۳۹۵؛ ۲۲ (۳): ۸۹-۱۱۱.

آذرشب، محمد علی؛ همایونی، سعدالله (۱۳۹۴) «واکاوی فرهنگ و نقش آن در سیاست گذاری های/ برنامه ریزی های آموزش زبان (مطالعه موردی: آموزش زبان عربی در ایران)»، علم زبان سال سوم پاییز و زمستان ۱۳۹۴ شماره ۵.

بابازاده، جمیله. (۱۳۸۸). «زبان، فرهنگ اصطلاحات و ارتباط آنها با آموزش زبان های خارجی، پژوهش زبان های خارجی، ش. ۵۵، صص ۱۹-۲۸.

بایوردی، اسماعیل؛ کریمیان، علیرضا (۱۳۹۳) «جهانی شدن فرهنگ و تاثیر آن بر هویت ملی ایران»، فصلنامه علمی مطالعات روابط بین الملل، دوره ۷، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۹۳، از ۷۷ تا ۱۰۲.

بیانچینی، فرانکو (۱۳۸۰)، «فرهنگ شهری: برنامه ریزی فرهنگی و برنامه ریزی شهری»، مترجم: سید محمود نجاتی حسینی، مدیریت شهری، شماره ۸.

تقویان، ناصرالدین علی؛ قانیدی، یحیی؛ ضرغامی، سعید؛ غلامی، جواد (۱۳۹۳) «کاربردشناسی تجربی و کسری هنجارمندی بهره آموزش زبان خارجی از نظریه کاربردشناسی عام»، فصلنامه مطالعات میانرشتهای در علوم انسانی، دوره ششم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۳، از ۷۷ تا ۱۱۶.

حال با توجه به نتایج بدست آمده و براساس نظرات خبرگان سیاست های فرهنگی زیر جهت مواجهه بهتر با زبان های خارجی جهت توسعه شهری موارد زیر پیشنهاد می گردد:

تقویت زبان فارسی به عنوان تنها زبان رسمی، توسعه فارغ التحصیلان دوزبانه، توسعه زبان های محلی، استفاده از ظرفیت های مراکز فرهنگی و سفارتخانه ها، پرورش نیروی انسانی، تقویت ارتباطات دوسویه، توسعه تکثر اندیشه، تاکید بر هویت ملی، توسعه زبان به عنوان زیرساخت تعامل، توسعه حق شهروندی، زمینه ساز تغییر سبک زندگی، افزایش برنامه های حمایتی آموزشی زبان، تسهیل گری دولت در توسعه آموزش، توسعه چشم انداز مشترک فرهنگی، توسعه نگرش مثبت افراد به فرهنگ های دیگر، توسعه اهداف فرهنگی اثربخش، حضور در مجامع بین الملل، تعامل فعال با محیط جهانی، همگرایی قومی و مذهبی، تاکید بر اشتراکات اجتماعی، توسعه استفاده از نخبگان قومی، ترکیب خلاقانه فرهنگ بومی با سایر فرهنگ ها

در خصوص پیشنهادات آتی پژوهش، پیشنهاد می گردد تا محققان پژوهش هایی را در خصوص مدل بهینه سیاست گذاری فرهنگی در آموزش زبان های خارجی در مدارس و بررسی تاثیر آن در رشد فرهنگی دانش آموزان در کشور انجام نمایند.

- Practice In Language Studies, Vol. 2, No. 3, Pp. 642-646, March 2012.
- Birckbichler, D (1994) "Foreign Language Policy and Teacher Education" <https://doi.org/10.1177/0002716294532001013>
- Edita Bekteshi, Brikena Xhaferi. (2020). Learning About Sustainable Development Goals Through English Language Teaching, *Research In Social Science And Technology*, 5 (3), 78-94.
- Ezeh, Nnenna Gertrude, Udaba Regina Obiageli, (2020) The Role Of Language In Achieving The Worlds Sustainable Development Goals (SDGS), *European Journal Of English Language And Literature Studies* Vol.8, No.6, Pp.53-61
- Felicia Angeline, (2020), The Number One Language, English: The Aspects Of Learning English And Its Difficulties, Conference Paper. 2020.
- Gorter, D. Zenotz, V. Cenoz, J. (2016) "Minority Languages and Multilingual Education" *Educational Linguistics*, Springer, Dordrecht, <https://doi.org/10.1007/978-94-007-7317-2>
- Hult, F (2017) "More than a lingua franca: Functions of English in a globalised educational language policy" <https://doi.org/10.1080/07908318.2017.1321008>
- Jonathan R. White. 2019. Authenticity of Language Practices in Virtual Learning Sites. *Virtual Sites as Learning Spaces*, pages 63-93
- Kirkwood, S., McKinlay, A., McVittie, C. (2013). "They're more than animals": Refugees' accounts of racially motivated violence. *British Journal of Social Psychology*, 52, 747-762
- Kaplan and M. D. Usdan, "The Changing Look of Education's Policy Network," *Phi Delta Kappan*, p. 661 (May 1992)
- Lindblom, DK Cohen (1979) "Usable knowledge: Social science and social problem solving" Yale University Press
- Lambert, R "Foreign Language Planning in the United States" (Paper presented at the Conference on National Foreign Language Policies, University of Jyväskylä, Finland, Aug. 1992), p. 1.
- Mansoor Ganji, Elnaz Kargar Arshadi, Sogand Mahbubzadeh. (2020). Sustainable Development From The Viewpoint Of Iranian English Teachers: Practicing What They Do Not Preach, *Journal Of Teacher Education For Sustainability*. Vol. 22, No 1, Pp. 140-164, 2020.
- تقی زاده، علی، (۱۳۹۵)، «پنج‌جیدی‌گی‌های زبان، چگونه حرف می‌زنیم؟»، سایت علمی دکتر مجازی.
- ربیعی، مجید؛ نیازآذری، کیومرث؛ اسماعیلی شاد، بهرنگ (۱۳۹۱) «سیاست‌گذاری و فرآیند خط مشی عمومی در نظام آموزشی»، مهرالنسی، ۴۰.
- سبکتکین، قربانعلی؛ خسروجردی، زهرا (۱۳۹۲) «فرهنگ، زبان و آموزش»، (چاپ در مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات) ایران سال نهم بهار ۱۳۹۲، شماره ۳۰، از ۵۵ تا ۷۱.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۳)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری (چاپ هشتم). تهران: انتشارات آگاه.
- سرمدی، محمدرضا و حیدری زاده، نسرین، (۱۳۹۳)، «فرصت‌ها و چالش‌های نظام تعلیم و تربیت ایران در برابر جهانی شدن»، اولین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران.
- طالبی، ابوتراب؛ علیزاده، ابوتراب (۱۳۹۷) «مطالعه پدیدار شناختی تجربه تبعیض و نابرابری قومی در بین دانشجویان کرد در دانشگاه‌های ایران»، جامعه‌شناسی ایران، زمستان ۱۳۹۷، از ۱ تا ۲۵.
- طاهری، محمدرضا و محمدی، زینب، (۱۳۹۴)، «اپده الیسم و تأثیر آن در آموزش و پرورش»، اولین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران، تهران.
- نادری، ابوالقاسم؛ گودرزی، محمد علی (۱۳۹۷) «بررسی وضعیت سرمایه انسانی دبیران شهر صحنه و تأثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان» سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، زمستان ۱۳۹۷.
- هاشمی، محمد رضا؛ شمسایی، سعیده؛ شمس، محمد علی (۱۳۸۹) «تحلیل روایت شناختی ویژگی‌های سبک تاریخ نگاری بیهقی در چهارچوب نظریه هوش داستانی» نشریه مطالعات زبان و ترجمه، تابستان ۱۳۸۹، شماره ۱.
- Augoustinos, M., Every, D. (2007). The language of "race" and prejudice: A discourse of denial, reason, and liberal-practical politics. *Journal of Language and Social Psychology*, 26, 123-141.
- Cresswell, C., Whitehead, K. A., Durrheim, K. (2014). The anatomy of "race trouble" in online interactions. *Ethnic and Racial Studies*, 37, 2512-2528.
- Basel Al Sheikh Hussein. (2012). The Sapir-Whorf Hypothesis Today. *Theory And*

- Petra Bezeljak, Martin Scheuch, Gregor Torkar. (2020). Understanding Of Sustainability And Education For Sustainable Development Among Pre-Service Biology Teachers, Sustainability 2020, 12, 6892.
- Stokoe, E. (2015). Identifying and responding to possible -isms in institutional encounters: Alignment, impartiality and the implications for communication training. Journal of Language and Social Psychology, 34, 427-44
- Walter Leal Filho · Anabela Marisa Azul Luciana Brandli · Pinar Gökçin Özuyar Tony Wall. (2020). Sustainable Cities And Communities, Switzerland, Springer Nature Switzerland AG.
- Whitehead, K. A., Stokoe, E. (2015). Producing and responding to -isms in interaction. Journal of Language and Social Psychology, 34, 368-373.
- Whitehead, K (2018) "Managing the Moral Accountability of Stereotyping" Journal of Language and Social Psychology, Volume: 37 issue: 3 page (s): 288-309.

یادداشت‌ها

- ¹ Whitehead, 2018
² Gorter & Cenoz, 2016
³ (socio linguistics)
⁴ Hewlett & others (2009)
⁵ Binzerhbolt, 2005
⁶ Rhodes, 1997
⁷ Jones, 1970
⁸ dye, 1995
⁹ (Charles Lindblom)
¹⁰ Kingdon
¹¹ Whitehead, 2018